فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت
Journal of New Research Approaches in Management Science
سال دوم. شماره چهاردهم. پاییز ۱۳۹۸، صص۱۳۳-۱۱۷ Vol 2. No 14. 2019, p 117-133
شماره شاپا (۲۵۸۸-۵۵۶۱) ISSN: (2588-5561)

تأثیر قدرت مدیر بر انتخاب حسابرس: رویکرد فرصت‌طلبانه به قدرت

علی‌رضا معطوفی[۱]. علی اشرف احمدیان[۲]
۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان. ایران*
۲. دکترای مدیریت بازرگانی، مدرس دانشگاه

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثر قدرت مدیریت بر انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش از قدرت مدیریت به‌عنوان متغیر مستقل و از انتخاب حسابرس به‌عنوان متغیر وابسته استفاده شده‌است. پژوهش حاضر در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ بر روی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده‌است. همچنین از مدل رگرسیون لجستیک و تحلیل رگرسیونی جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها بهره گرفته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، رابطه منفی و معنادار بین قدرت مدیریت و انتخاب حسابرس وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: قدرت‌مدیر، انتخاب حسابرس، بورس اوراق‌بهادار تهران.
طبقه‌بندی موضوعی: G33 ،G01

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

مقدمه

مطالعات در رابطه با قدرت مدیر نشان می‌دهند، قدرت مدیر با توجه به سطح مدیر در سلسله‌مراتب سازمانی، می‌تواند بر تصمیمات بنگاه موثر باشد (لیو و همکاران[1] ۲۰۱۵). المامون و همکاران[2](۲۰۱۷) معتقدند، قدرت‌مدیر اثر منفی بر سودآوری و ثروت سهامداران دارد. افزایش قدرت‌مدیران، اختیار کافی را برای آن‌ها جهت پیگیری‌منافع‌شان برخلاف هدف حداکثر کردن ثروت سهامداران فراهم می‌آورد (دروچ و همکاران[3] ۲۰۱۶؛ دیلی و جانسون[4] ۱۹۹۷). مدیران دارای قدرت تاثیرگذاری بر تصمیمات هیئت‌مدیره پاداش‌های بیشتری دریافت می‌کنند (اگروال[5] ۲۰۰۸؛ گرینستین و هریبار[6] ۲۰۰۴). مورس و همکاران[7](۲۰۱۱) دریافتند، مدیران‌قوی، هیئت‌مدیره را وادار می‌کنند تا به‌منظور دریافت پاداش‌های بیشتر، عملکرد بهتری را گزارش نمایند.

فریدمن[8](۲۰۱۶، ۲۰۱۴) بیان می‌کند، مدیریت‌سود در انزوا اتفاق نمی‌افتد. مدیران قدرتمند به‌طور بالقوه می‌توانند هیئت‌مدیره را مجبور به ارائه معیارهای عملکردی جانبدارانه به‌منظور دریافت مزایا و پاداش اضافه نمایند. مدیران ارشد قوی که مشوق‌هایی در قالب سهام دریافت می‌کنند، به‌طور معنادار بر مدیران‌مالی فشار وارد می‌آورند تا با دستکاری حساب‌ها، برای سهام بنگاه در بورس اوراق بهادار جذابیت ایجاد نمایند (فنگ و همکاران[9] ۲۰۱۱). مدیران قدرتمند احتمال تقلب را افزایش داده و امکان ردیابی آن را کاهش می‌دهند (خانا و همکاران[10]؛ ۲۰۱۵).

ادبیات پژوهش نشان می‌دهد، مدیران به‌طور متوسط در انتشار اخبار بد به سرمایه‌گذاران تاخیر دارند (باو و همکاران[11]؛ ۲۰۱۸؛ کاتاری و همکاران[12]؛ ۲۰۰۹). لذا قدرت بیشتر مدیر، امکان تاخیر در انتشار اخبار بد را افزایش می‌دهد. اگرچه امکان مخفی نمودن اخبار بد برای همیشه توسط مدیران غیرممکن به‌نظر می‌رسد، لذا زمانی که مجبور به انتشار انبوهی از اخبار بد می‌شوند، باعث کاهش معنادار قیمت سهام می‌شوند (هاتن و همکاران[13]؛ ۲۰۰۹؛ جین و میرز[14]؛ ۲۰۰۶).

قدرت زیاد مدیر ضمن افزایش مسئله نمایندگی، می‌تواند موجب بیش‌اعتمادی مدیریت و اتخاذ تصمیات ریسکی شود (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). با توجه به موارد فوق می‌توان ادعا کرد، قدرت در دست مدیران به

1- Liu et al.
2- Al Mamun et al.
3- Derouiche et al.
4- Daily and Johnson
5- Aggarwal
6- Grinstein and Hribar
7- Morse et al.
8- Friedman
9- Feng et al.
10- Khanna et al.
11- Bao et al.
12- Kothari et al.
13- Hutton et al.
14- Jin and Myers

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

آن‌ها ابزار و توجیه لازم را جهت انحراف و هدایت منابع بنگاه به‌سمت منافع شخصی‌شان فراهم می‌آورد (المامون و همکاران، ۲۰۱۷). لذا بنگاه‌های با مدیران قدرتمند به‌منظور تحریف اطلاعات حسابداری در رابطه با عملکرد ضعیف خود و اجتناب از ارائه صورت‌های مالی شفاف، ممکن است نسبت به استفاده از حسابرسان با کیفیت بی‌میل باشند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵).

علی‌رغم آن‌که پژوهش‌های متعددی در حوزه عوامل موثر بر تصمیمات بنگاه انجام شده‌است، ولی به‌نظر می‌رسد با فقدان مطالعات کاربردی درخصوص بررسی تاثیر قدرت مدیریت بر تصمیمات و رفتار بنگاه به طور عام و بررسی تاثیر قدرت مدیریت بر انتخاب حسابرس به‌طورخاص مواجه می‌باشیم. بر این اساس پژوهش حاضر در نظر دارد به‌بررسی رابطه بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد. یافته‌های پژوهش حاضر ضمن پر کردن شکاف موجود در ادبیات پژوهش کشور، ابزار مناسبی را در اختیار سایر پژوهشگران و تصمیم‌گیران بازار سرمایه قرار خواهد داد.

مبانی‌نظری پژوهش

قدرت، به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی و عملی هر سازمان، محور درک رفتار سازمانی و فردی می‌باشد. قدرت، توان بالقوه‌ای است که هر فرد دارا است تا به‌وسیله آن بر فرد یا افراد دیگر و همچنین توان تصمیم‌گیری آن‌ها اثرگذار باشد، به‌گونه‌ای که افراد مجبور می‌شوند کاری را انجام دهند که صاحب قدرت می‌خواهد. قدرت مدیر، به عنوان توانایی یا توان بالقوه یک مدیر برای تغییر رفتار، تمایلات، نگرش‌ها، عقاید و عواطف یا ارزش‌های کارکنان تعریف می‌شود (المامون و همکاران، ۲۰۱۷). لیو و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند، قدرت به‌عنوان توانایی فرد برای تحمیل خواسته‌هایش به دیگران می‌باشد.

مطابق با ادبیات پژوهش، قدرت در اختیار مدیران یکی از عواملی است که می‌تواند منجر به کاهش قیمت سهام (المامون و همکاران، ۲۰۱۷) و ارزش بنگاه (ببچاک و همکاران[1]، ۲۰۱۱) شود. مدیران تمایل زیادی به مخفی نگهداشتن اخبار بد از سرمایه‌گذاران دارند (بال[2]، ۲۰۰۹؛ گراهام و همکاران[3]، ۲۰۰۵؛ کاتاری و همکاران، ۲۰۰۹). میزان اطلاعات منفی که مدیران می‌توانند انباشت و پنهان کنند، در شرکت‌های مختلف متفاوت است. علاوه بر این، توانایی‌ها و فرصت‌های مدیران برای انباشت و افشاء نکردن اخبار منفی، به هزینه‌ها و منافع آن بستگی دارد (کاتاری و همکاران، ۲۰۰۹).

موفقیت مدیران در پنهان کردن اخبار بد منوط به قدرت آن‌ها در تاثیرگذاری بر تصمیمات می‌باشد. قدرت مدیران، موجب تحریک آن‌ها به استفاده از منابع بنگاه در راستای منافع شخصی‌شان شده و با درگیر کردن شرکت به دستکاری در حساب‌ها، موجب تاثیر منفی بر ارزش شرکت می‌شود (گرینستین و هریبار، ۲۰۰۴؛

1- Bebchuk et al.
2- Ball
3- Graham et al.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

فنگ و همکاران، ۲۰۱۱؛ مورس و همکاران، ۲۰۱۱؛ فریدمن، ۲۰۱۴؛ کولز و همکاران[1] ۲۰۱۴؛ خانا و همکاران، ۲۰۱۵؛ المامون و همکاران، ۲۰۱۷).

زمانی‌که اخباربد جمع‌شده، به مرحله غافلگیرکننده‌ای می‌رسند، مدیران تسلیم شده و به انتشار آن می‌پردازند و این منجر به کاهش قیمت سهام می‌شود (جین و میرز، ۲۰۰۶؛ هاتن و همکاران، ۲۰۰۹). به بیان دیگر، مدیران سعی می‌کنند تا تصویر مطلوبی از واحد تجاری ارائه نمایند و لذا تمایل دارند تا افشای اخبار بد را به تأخیر انداخته و این اطلاعات را در داخل شرکت انباشته کنند. در صورت نگهداری و عدم افشای اخبار بد برای یک مدت طولانی، بین ارزش ذاتی و ارزش بازار سهام، یک شکاف یا حباب قیمتی ایجاد می‌شود. هنگامی‌که توده اخبار منفی انباشت شده به نقطه اوج می‌رسد، به یکباره وارد بازار شده و به ترکیدن حباب قیمتی و سقوط قیمت سهام می‌انجامد (جین و مایرز، ۲۰۰۶).

همچنین، هاتن و همکاران (۲۰۰۹) و کیم و همکاران[2](۲۰۱۱الف) معتقدند، مدیران با استفاده از مدیریت سود و اجتناب‌مالیاتی به انباشت اخبار بد مبادرت می‌نمایند، که به نوبه خود منجر به کاهش قیمت‌سهام می‌شود. دچیو و همکاران[3](۲۰۱۳) بیان می‌کنند، مدیریت سود با هدف تاثیر بر قیمت سهام اتفاق می‌افتد. چرا که فشارهای داخلی و خارجی برای دستیابی به سود مورد نظر و اجتناب از جبران خسارت و آینده شغلی مدیران انجام می‌گیرد. گراهام و همکاران (۲۰۰۵) با بررسی مدیران ارشد بنگاه‌های آمریکایی نشان دادند، مدیران مایل به قربانی‌کردن ارزش اقتصادی به منظور مدیریت ادراک سرمایه‌گذاران از گزارشگری مالی می‌باشند.

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند، تاثیر اجتناب مالیاتی (کیم و همکاران، ۲۰۱۱الف)، انگیزه‌های مدیران ارشد مالی (کیم و همکاران، ۲۰۱۱ب)، پرداخت به مدیران ارشد و اعتماد بیش از اندازه آن‌ها به خود (کیم و همکاران، ۲۰۱۶) بر ریسک آتی سقوط قیمت سهام در بنگاه‌های با مدیران ارشد قوی بیشتر از سایر بنگاه‌ها می‌باشد. مدیران ارشد قدرتمند پاداش‌های تشویقی را دستکاری کرده (مورس و همکاران، ۲۰۱۱) و قدرت آن‌ها منجر به بیش اعتمادی در تصمیم‌گیری می‌شود (موریسون و همکاران[4] ۲۰۱۱؛ فست و همکاران[5] ۲۰۱۲). مدیران قدرتمند از طریق عقد قراردادهای صوری و تقلبی (مورس و همکاران، ۲۰۱۱)، تبلیغات زیاد در بازار جهت جلب توجه سرمایه‌گذاران (لی و همکاران[6] ۲۰۱۸) و احتمال انجام تقلب (خانا و همکاران، ۲۰۱۵) منجر به‌عملکرد منفی قیمت سهام می‌شوند. فراکاسی و تیت[7](۲۰۱۲) بیان می‌کنند، مدیران قوی، شدت و میزان نظارت‌داخلی را توسط هیت‌مدیره و به‌وسیله انتصاب مدیرانی که با مدیران ارشد ارتباط نزدیکی دارند، کاهش می‌دهند. لذا زمانی‌که مدیران‌ارشد قدرت زیادی برای تاثیرگذاری بر

1- Coles et al.
2- Kim et al.
3- Dichev et al.
4- Morrison et al.
5- Fast et al.
6- Li et al.
7- Fracassi and Tate

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

فرایند تصمیم‌گیری دارند، نوسان زیادی در عملکرد بنگاه وجود خواهد داشت (گالما و همکاران[1] ۲۰۱۲؛ آدامز و همکاران[2] ۲۰۰۵). لذا ساز و کارهای نظارتی خارجی قوی، توانایی‌ها و فرصت‌های مدیران جهت نگهداری و عدم‌افشای اخبار منفی را محدود می‌کند (اندرو و همکاران[3] ۲۰۱۷).

لیو و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند، ذینفعان بنگاه (مثل طلبکاران) تلاش می‌کنند در عقد قراردادها قدرت مدیر را کاهش دهند. به‌طور ویژه، بانک‌ها از شرکت‌های دارای مدیران ارشد قدرتمند، هزینه بدهی بالاتری را طلب می‌کند. بنگاه‌های با مدیران قدرتمند همچنین رتبه اعتباری کمتری را دریافت می‌کنند که این امر ناشی از برداشت ناخوشایند از قدرت مدیران آن‌هامی باشد.

آدامز و همکاران (۲۰۰۵) بیان می‌کنند، مدیران قدرتمند با احتمال کمتری قدرت خود را با سایر مدیران تقسیم می‌کنند. لذا وقوع اشتباه در تصمیم‌گیری آن‌ها محتمل می‌باشد. قدرت مدیر موجب ظهور مشکل نمایندگی شده و هزینه‌های اقتصادی بیشتری را بر بنگاه تحمیل می‌کند. مدیران قدرتمند با تحریف اطلاعات حسابداری در رابطه با عملکرد ضعیف خود، مانع از ارائه صورت‌های مالی شفاف می‌شوند. لذا بنگاه‌های با مدیران قدرتمند ممکن است نسبت به استفاده از حسابرسان با کیفیت بی‌میل باشند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). درحالی‌که ذینفعان بنگاه می‌خواهند با استخدام حسابرسان با کیفیت به گزارشگری مالی با کیفیت دست پیدا کنند (فن و وانگ[4] ۲۰۰۵). لذا استخدام حسابرسان با کیفیت ضمن کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های تامین‌مالی، سوءاستفاده مدیر از قدرت را در تصمیمات بنگاه محدود می‌کند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵).

پیشینه پژوهش

المامون و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان مدیران قدرتمند و ریسک سقوط قیمت سهام به این نتیجه رسیدند، در شرکت‌های با مدیران قدرتمند، احتمال ریسک سقوط قیمت سهام بیشتر می‌باشد. همچنین، نتایج پژوهش آن نشان داد، تأثیر مدیریت سود واقعی، اجتناب‌مالیاتی و بیش‌اعتمادی مدیرعامل می‌تواند باعث برجسته‌تر شدن رابطه بین قدرت مدیرعامل و ریسک سقوط قیمت سهام شود.

کورناگیا و همکاران[5](۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیریت و رتبه اعتباری شرکت با بررسی اینکه چگونه تحلیلگران در تعیین رتبه اعتباری شرکت توانایی مدیریت را به‌عنوان یک عامل ریسک اعتباری در نظر می‌گیرند، نشان دادند، مدیران تواناتر رتبه اعتباری بالاتری برای شرکت ایجاد می‌کنند که نهایتاً منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود.

1- Galema et al.
2- Adams et al.
3- Andreou et al.
4- Fan and Wong
5- Cornaggia et al.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

حبیب و حسن[1](۲۰۱۷) در پژوهشی با بررسی تاثیر توانایی مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری‌ها و ریسک سقوط قیمت سهام نشان دادند، توانایی مدیر با کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها رابطه معناداری دارد. همچنین نتایج حاکی از وجود رابطه بین توانایی مدیران با ریسک سقوط قیمت سهام می باشد.

آلدرمن[2](۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان آیا جنسیت حسابرس بر مسئولیت حسابرس تأثیرگذار است؟ به بررسی ریسک مسئولیت دررابطه با تضاد منافع شخصی و مالی حسابرسان و پتانسیل اختلاف در انجام مسئولیت بر اساس جنسیت حسابرس پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، حسابرسان زن در مواجه با تضاد منافع شخصی نسبت به حسابرسان مرد، از استقلال کمتر و سهل‌انگاری بیشتر برخوردار هستند. حسابرسان مرد در مواجه با تضاد منافع مالی نسبت به حسابرسان زن، از استقلال کمتر و سهل‌انگاری بیشتر برخوردار هستند. حسابرسان صرف‌نظر از جنسیت، در مواجه با تضاد منافع شخصی نسبت به تضاد منافع مالی، از استقلال کمتر و سهل‌انگاری بیشتر برخوردار هستند.

القول و همکاران[3](۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان انتخاب حسابرس و سررسید بدهی شرکت نشان دادند، با حضور مؤسسات حسابرسی بزرگ، بدهی‌های بلندمدت در ساختار سرمایه شرکت‌ها افزایش می‌یابد. آن‌ها نتیجه گرفتند، مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالاتر جایگزینی برای بدهی کوتاه‌مدت جهت اهداف نظارتی می‌باشند.

لیو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان قدرت مدیرعامل و انتخاب حسابرس نشان دادند، مدیران قدرتمند به احتمال زیاد حسابرسان با کیفیت بالا را جهت نشان دادن کیفیت بالای گزارشگری مالی به‌کار می‌گیرند.

آندرو و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و عملکرد شرکت در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸ نشان دادند، توانایی مدیریت با عملکرد شرکت رابطه مستقیم دارد.

بادآورنهندی و حشمت (۱۳۹۷) در پژوهش با عنوان اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین توانایی مدیران و ایجاد ارزش برای سهامداران نشان دادند، توانایی مدیریتی با ارزش ایجاد شده برای سهامداران ارتباط مثبت دارد و سازوکارهای حاکمیت شرکتی نیز این ارتباط مثبت را تشدید می‌کند. به عبارت دیگر در شرکت‌های با رتبه حاکمیت شرکتی بالاتر، توانایی مدیریتی بیشتر در جهت افزایش ارزش سهامداران متمرکز می‌شود.

یاری و فتحی‌ارطه (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تأثیر قدرت تصمیم‌گیری مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند، بین درصد تملک سهام مدیرعامل، تنها عضو موظف بودن مدیرعامل و دوگانگی وظیفه مدیرعامل با عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

1- Habib and Hasan
2- Alderman
3- El Ghoul et al.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

صالحی و همکاران (۱۳۹۵ الف) در پژوهشی با عنوان تأثیر وجود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن بر تأخیر گزارش حسابرسی به بررسی ۵۴ شرکت در بازه زمانی قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی، طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ پرداختند. نتایج پژوهش این نشان داد، رابطه معنادار بین وجود کمیته حسابرسی و تأخیر گزارش حسابرسی وجود ندارد.

صالحی و همکاران (۱۳۹۵ب) در پژوهشی با بررسی رابطه بین توانایی مدیران و پاداش نشان دادند، بین پاداش و توانایی مدیریت به دلیل ناکارا بودن بازار بورس در ایران رابطه‌ای وجود ندارد و به جای این‌که پاداش عوامل بنیادی داشته باشد بیشتر تحت تأثیر عوامل سیاسی و روانی است.

بزرگ اصل و صالح‌زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود (به تفکیک اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی) نشان دادند، بین توانایی مدیریت با پایداری سود و توانایی مدیریت با پایداری اجزای تعهدی و نقدی سود رابطه مثبت وجود دارد. ولی رابطه بین توانایی مدیریت و پایداری بخش تعهدی نسبت به بخش نقدی قوی تر است.

وکیلی‌فرد و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش به بررسی رابطه کیفیت سود و انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد، کوچکی و بزرگی موسسه‌های حسابرسی می‌تواند بر میزان کیفیت سود شرکت‌ها تاثیرگذار باشد.

بنی‌مهد (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان کیفیت اقلام تعهدی و انتخاب حسابرس نشان دادند، اندازه صاحبکار، تغییر مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی بر انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس تاثیرگذار است. اما رابطه معنادار بین نسبت اهرمی، سودآوری و گزارش زیان توسط شرکت مورد رسیدگی با انتخاب موسسه بزرگ حسابرسی وجود ندارد.

روش‌شناسی و متغیرهای پژوهش

روش تحقیق

تحقیق‌حاضر از نظر توجه به زمان گذشته‌نگر، از لحاظ هدف‌کاربردی و با توجه به نوع، پس‌رویدادی می‌باشد. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی و همبستگی است و برای بررسی رابطه میان متغیر مستقل و وابسته از روش‌آماری رگرسیون چند متغیره استفاده می‌شود. همچنین تجزیه وتحلیل داده‌ها براساس روش مطالعه داده‌های ترکیبی می‌باشد.

جامعه‌آماری و روش‌نمونه‌گیری

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جامعه‌آماری تحقیق را تشکیل خواهند داد. لذا بنگاه به عنوان سطح تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر می‌باشد. روش نمونه‌گیری، روش حذفی بوده است، بدین ترتیب که کلیه شرکت‌های عضو جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده جزء نمونه آماری لحاظ

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

شده و آن دسته از شرکت‌هایی که این شرایط را نداشته‌اند از نمونه آماری، حذف گردیده‌اند. دوره مورد مطالعه در این تحقیق از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ به مدت ۵ سال می‌باشد. شرایط برای انتخاب نمونه به شرح زیر می‌باشند:

۱. از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در بورس حضور داشته باشند؛ ۲. اطلاعات مورد نیاز شرکت، در دسترس باشد؛ ۳. شرکت در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی را تجربه نکرده باشد؛ ۴. شرکت‌های مورد نظر جزو بانک‌ها و واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ نباشند؛ ۵. شرکت‌ها نباید در طی دوره تحقیق وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه داشته باشند؛ ۶. سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد. با اعمال محدودیت‌های فوق، نمونه‌ای شامل ۶۳۰ شرکت- سال مربوط به ۱۲۶ شرکت انتخاب گردیده است.

جهت محاسبه متغیرهای پژوهش داده‌های مورد نیاز از بانک‌های اطلاعاتی ره‌آورد نوین و تدبیرپرداز استخراج شده‌است. در صورت ناقص‌بودن داده‌های موجود در این بانک‌های اطلاعاتی، به سایت اینترنتی مدیریت‌پژوهش، توسعه و مطالعات‌اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار مراجعه گردید. همچنین به منظور انجام محاسبات و آماده نمودن داده‌ها و همچنین تجزیه و تحلیل آن‌ها، از نرم‌افزارهای Eviews و Excel استفاده شده است.

مدل‌ها و متغیرهای مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه پژوهش از مدل زیر استفاده خواهد شد (هو و کانگ، ۲۰۱۳):

مدل ۱

$$AUD_{it} = \beta_0 + \beta_1 POWER_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 BM_{it} + \beta_5 ROE_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر مستقل

در این پژوهش برای محاسبه قدرت مدیر (Power) به تبعیت از پژوهش والنتی و همکاران[1](۲۰۱۱) از دوره تصدی مدیرعامل استفاده می‌شود. هرچه مدیرعامل تعداد سال‌های بیشتری در سمت مدیریت باشد، تأثیرگذاری او بر عملیات شرکت بیشتر بوده و با توجه به موقعیت راهبردی خود کنترل بیشتری بر تصمیمات حاکمیتی شرکت دارد. بنابراین، شاخصه قدرت مدیرعامل با اندازه‌گیری تعداد سال‌هایی که وی تصدی این سمت را به‌عهده دارد، به‌دست می‌آید.

1- Valenti et al.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش‌حاضر، انتخاب حسابرس (Auditor) است. این متغیر مجازی است که با مقدار صفر و یک نشان داده می‌شود. مقدار یک برای شرکت‌هایی که سازمان حسابرسی (بزرگترین مؤسسه حسابرسی در ایران) را به‌عنوان حسابرس مستقل خود انتخاب کرده‌اند و مقدار صفر برای شرکت‌هایی که سایر مؤسسات حسابرسی را به‌عنوان حسابرس مستقل خود انتخاب نموده‌اند (نیکومرام و احمدزاده، ۱۳۹۲).

متغیر کنترلی

متغیرهای کنترل پژوهش حاضر عبارتند از (لیو و همکاران، ۲۰۱۵؛ هو و کانگ[1] ۲۰۱۳؛ گودفری و همیلتن[2] ۲۰۰۵؛ چانی و همکاران[3] ۲۰۰۴):

اندازه شرکت ($Size_{i,t}$)**:** اندازه شرکت برابر با لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت **i** در سال **t** می‌باشد.

اهرم‌مالی ($LEV_{i,t}$)**:** اهرم مالی برابر است با نسبت بدهی به دارایی‌های شرکت **i** در سال **t**.

نسبت ارزش‌دفتری به ارزش‌بازار حقوق صاحبان‌سهام ($BM_{i,t}$)**:** عبارت است از نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان‌سهام شرکت i در سال t.

بازده حقوق صاحبان‌سهام ($ROE_{i,t}$)**:** بازده حقوق صاحبان سهام برابر است با نسبت سودخالص به مجموع حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به‌منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول ۱، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد.

1- Ho and Kang
2- Godfrey and Hamilton
3- Chaney et al.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
$Auditor_{i,t}$	۰/۲۲۲	۰	.	۱	۰/۴۱۶
$Power_{i,t}$	۲/۰۳۸	۲	۱	۵	۱/۲۱۲
$SIZE_{i,t}$	۸/۹۷۴	۸/۹۱۰	۷/۴۰۰	۱۱/۱۹	۰/۶۸۲
$LEV_{i,t}$	۰/۶۱۷	۰/۶۰۷	۰/۱۱۰	۲/۲۲۴	۰/۲۳۷
$BM_{i,t}$	۰/۴۷۱	۰/۴۲۰	-۴/۶۳۰	۳/۳۵۰	۰/۴۷۳
$ROE_{i,t}$	۰/۲۱۸	۰/۲۴۷	-۳/۸۲۱	۲/۴۶۷	۰/۴۴۷

$Auditor_{i,t}$: انتخاب حسابرس شرکت **i** در سال **t**؛ $Power_{i,t}$: قدرت مدیرعامل شرکت **i** در سال **t**؛ $SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت شرکت **i** در سال **t**؛ $LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت **i** در سال **t**؛ $BM_{i,t}$: نسبت ارزش‌دفتری به ارزش‌بازار سهام شرکت **i** در سال **t**؛ $ROE_{i,t}$: بازده حقوق صاحبان سهام شرکت **i** در سال **t**.

مطابق با جدول ۱ میانگین متغیر انتخاب حسابرس برای شرکت‌های نمونه حدود ۰/۲۲ می‌باشد که نشان می‌دهد، ۲۲ درصد مشاهدات مورد بررسی، سازمان حسابرسی را به‌عنوان حسابرس مستقل خود انتخاب کرده‌اند. میانگین ۲/۰۳۸ برای متغیر قدرت مدیر نشان می‌دهد، به‌طور متوسط تعداد سال‌های حضور مدیرعامل در سمت مدیریت در مشاهدات مورد بررسی، حدود ۲ سال می‌باشد. همچنین میانگین متغیر بازده حقوق صاحبان سهام مشاهدات مورد بررسی ۰/۲۱۸ می‌باشد. انحراف معیار یکی از مهمترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای پراکندگی مشاهدات از میانگین است. مقدار این پارامتر برای متغیرهای انتخاب حسابرس و قدرت مدیر به ترتیب ۰/۴۱۶ و ۱/۲۱۲ است.

در این مرحله نیکویی برازش مدل را با استفاده از آزمون هاسمر و لمشو با توجه به جدول ۲ بررسی می‌شود.

جدول ۲. نیکویی برازش مدل با آزمون هاسمر و لمشو

آماره هاسمر و لمشو	P-value	نتیجه آزمون
۸/۵۷۳۹	۰/۴۹۶۲	مدل رگرسیون لجستیک برای داده‌ها مناسب می‌باشد.

با توجه به جدول ۲ مقدار سطح معناداری برابر ۰/۴ می‌باشد و چون این مقدار بیشتر از۰/۰۵ است، لذا فرض H_0 تأیید و فرض H_1 رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون لجستیک برای داده‌ها مناسب می‌باشد.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

آزمون فرضیه اول

فرضیه پژوهش بیان می‌کند، بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرس رابطه معنادار وجود دارد.

با توجه به نگاره ۳ (آماره R^2 مک‌فادن) می‌توان ادعا کرد، حدود ۲۶ درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود.

جدول ۳. نتایج آماری آزمون مدل پژوهش

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (sig)
عرض از مبدأ (α)	-۷/۵۲۴	۰/۸۹۶	-۸/۳۹۵	۰/۰۰۰
$Power_{i,t}$	-۰/۴۲۶	۰/۰۹۳	-۴/۵۵۵	۰/۰۰۰
$SIZE_{i,t}$	۰/۵۰۴	۰/۰۶۰	۸/۳۲۰	۰/۰۰۰
$LEV_{i,t}$	-۰/۵۱۶	۰/۹۴۷	-۰/۵۴۴	۰/۵۸۵
$BM_{i,t}$	-۰/۴۵۵	۰/۲۱۵	-۲/۱۱۳	۰/۰۳۴
$ROE_{i,t}$	-۰/۰۵۳	۰/۶۹۲	-۰/۰۷۷	۰/۹۳۸
ضریب تعیین مک فادن	۰/۲۵۸			
آماره نسبت درست‌نمایی	مقدار احتمال		مقدار آماره **LR**	
	۰/۰۰۰		۱۰۰/۴۹۸	

آماره LR شبیه آماره F در مدل رگرسیون خطی است. طبق نگاره فوق مقدار این آماره به میزان ۱۰۰/۴۹۸ و مقدار احتمال آن ۰/۰۰۰ می‌باشد، بنابراین چون میزان احتمال آماره LR از ۰/۰۵ کمتر است، لذا می‌توان گفت در سطح اطمینان ۰/۹۵ مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است.

همچنین ضریب برآوردی متغیر مستقل Power در نگاره ۳ نشان‌دهنده وجود رابطه منفی و معنادار بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرس در سطح خطای ۰/۰۵ است. زیرا میزان P-value برای ضریب متغیر مستقل، کمتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده‌است. بنابراین می‌توان گفت، قدرت مدیر بر انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر منفی و معنادار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت موضوع در پژوهش حاضر به بررسی تاثیر قدرت مدیر بر انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. برای این منظور بر مبنای ادبیات پژوهش یک فرضیه مطرح گردید.

در فرضیه پژوهش به بررسی وجود رابطه معنادار بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرس باکیفیت (بزرگ) پرداخته شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، رابطه منفی معنادار بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرس

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

باکیفیت (بزرگ) در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. یعنی با افزایش (کاهش) قدرت مدیر، انتخاب حسابرس باکیفیت (بزرگ) کاهش (افزایش) پیدا می‌کند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش لیو و همکاران (۲۰۱۵) سازگار می‌باشد.

قدرت، به عنوان توانایی یا توان بالقوه یک مدیر (المامون و همکاران، ۲۰۱۷)، امکان تحمیل خواسته‌هایش به دیگران را فراهم می‌آورد (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). مطابق با ادبیات پژوهش، قدرت مدیران برای آن‌ها امکان پنهان کردن اخبار بد را فراهم آورده و موجب تحریک آن‌ها به استفاده از منابع بنگاه در راستای منافع شخصی‌شان می‌شود (المامون و همکاران، ۲۰۱۷). به علاوه از آنجایی‌که مدیران سعی می‌کنند تا تصویر مطلوبی از واحد تجاری ارائه نمایند، تمایل دارند تا افشای اخبار بد را به تأخیر انداخته و این اطلاعات را در داخل شرکت انباشته کنند. اما نگهداری و عدم افشای اخبار بد برای یک مدت طولانی، بین ارزش ذاتی و ارزش بازار سهام، یک شکاف قیمتی ایجاد می‌کند. لذا هنگامی‌که توده اخبار منفی انباشت شده به نقطه اوج می‌رسد، به یکباره وارد بازار شده و به ترکیدن حباب قیمتی و سقوط قیمت سهام می‌انجامد (جین و مایرز، ۲۰۰۶).

مدیران ارشد قدرتمند برای دستیابی به سود مورد نظر و اجتناب از جبران خسارت و آینده شغلی خود (دچیو و همکاران، ۲۰۱۳) و مدیریت ادراک سرمایه‌گذاران از گزارشگری مالی، تلاش می‌کنند (گراهام و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین با اقداماتی از قبیل دستکاری پاداش‌های تشویقی (مورس و همکاران، ۲۰۱۱)، عقد قراردادهای صوری و تقلبی (مورس و همکاران، ۲۰۱۱)، تبلیغات زیاد در بازار جهت جلب توجه سرمایه‌گذاران (لی و همکاران، ۲۰۱۸) و اقدام به تقلب (خانا و همکاران، ۲۰۱۵) منجر به‌عملکرد منفی قیمت سهام می‌شوند. حتی مدیران قوی تلاش می‌کنند، شدت و میزان نظارت‌داخلی هیت‌مدیره را به‌وسیله انتصاب مدیرانی که با مدیران ارشد ارتباط نزدیکی دارند، کاهش دهند (فراکاسی و تیت، ۲۰۱۲).

با توجه به موارد فوق مدیران قدرتمند با تحریف اطلاعات حسابداری در رابطه با عملکرد ضعیف خود، مانع از ارائه صورت‌های مالی شفاف می‌شوند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). لذا ساز و کارهای نظارتی خارجی قوی که توانایی‌ها و فرصت‌های مدیران جهت نگهداری و عدم‌افشای اخبار منفی را محدود می‌کند (اندرو و همکاران، ۲۰۱۷) مطلوب مدیریت نخواهد بود. از این‌رو می‌توان انتظار داشت، بنگاه‌های با مدیران قدرتمند مایل به استفاده از حسابرسان با کیفیت نباشند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). در ادامه، با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادات ذیل مطرح می‌شوند:

الف. به سرمایه‌گذاران و سهامداران پیشنهاد می‌شود، با مفهوم قدرت مدیریت آشنا شده و در تصمیم‌گیری‌ها به آن توجه داشته باشند. چرا که افزایش قدرت مدیران، اختیار کافی را برای آن‌ها جهت پیگیری منافع‌شان برخلاف هدف حداکثر کردن ثروت سهامداران فراهم می‌آورد.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

ب. به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود، به منظور تبیین رفتار قیمت سهام شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، به ساختار نظام راهبری شرکت از قبیل دوره تصدی هیئت‌مدیره، یکسان‌بودن رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و حضور اعضای غیرموظف در ترکیب هیأت‌مدیره شرکت توجه داشته باشند.

با توجه به نتایج پژوهش و سوالاتی که طی انجام آن برای محققین مطرح شد، جهت تکمیل این پژوهش و انجام پژوهش‌های بیشتر در حوزه‌های مرتبط با این پژوهش پیشنهادهای ذیل ارایه می‌شود:

الف. در پژوهش حاضر به بررسی سهام موجود در بازار بدون توجه به صنعت آنها پرداخته شد، لذا به نظر می‌رسد بررسی موضوع بر اساس صنعت می‌تواند اطلاعات مفیدی در خصوص موضوع مورد بررسی فراهم آورد.

ب. در پژوهش حاضر متغیرهای پژوهش در یک بازه زمانی ۵ ساله و در یک نمونه ۱۲۶ شرکتی مورد بررسی قرار گرفتند. لذا بررسی موضوع در یک بازه زمانی طولانی‌تر و با نمونه بزرگ‌تر می‌تواند مفید باشد.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ بادآورنهندی، یونس و حشمت، نسا. (۱۳۹۷). "اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین توانایی مدیران و ایجاد ارزش برای سهامداران". حسابداری مدیریت، سال ۱۱، شماره ۳۸، صص ۹۳-۱۰۸.

ـ بزرگ اصل، موسی و صالح‌زاده، بیستون. (۱۳۹۴). "رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تاکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". دانش حسابرسی، سال ۱۴، شماره ۱۳، صص ۴۱۸-۴۱۰.

ـ بنی‌مهد، بهمن. (۱۳۹۱). "کیفیت اقلام تعهدی و انتخاب حسابرس". فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۰، شماره ۳۷، صص ۹۸-۸۱.

ـ صالحی، مهدی و اورادی، جواد و سالاری فورگ، زینب. (۱۳۹۵ الف). "تأثیر وجود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن بر تأخیر گزارش حسابرسی". فصلنامه دانش حسابداری، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۵۹-۸۳.

ـ صالحی، مهدی و باقرپور ولاشانی، محمدعلی و خداپرست مشهدی، مهدی و اکبری، فرزانه. (۱۳۹۵ ب). "بررسی تاثیر توانایی مدیران بر پاداش هیأت‌مدیره و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". چهاردهمین همایش ملی حسابداری.

ـ نیکومرام، هاشم و احمدزاده، حمید. (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و انتخاب نوع حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه مطالعات کمّی در مدیریت، سال ۴، شماره ۴، صص ۱۵۴-۱۳۵.

ـ وکیلی‌فرد، حمیدرضا و محمدی، سامان و کاظمی‌نوری، سپیده. (۱۳۹۳). "کیفیت سود و انتخاب حسابرس (مورد مطالعه: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)". فصلنامه حسابداری مالی، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۱۵۱-۱۶۸.

ـ یاری، فرانک و فتحی‌ارطه، کیوان. (۱۳۹۵). "تأثیر قدرت تصمیم‌گیری مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، سال ۲، شماره ۳، صص ۳۰۰-۲۸۵.

__ Adams, R. B. , Almeida, H. , and Ferreira, D. (2005). “Powerful CEOs and their impact on corporate performance”. Review of Financial Studies, 18 (4), 1403–1432.

__ Aggarwal. R. K. (2008). “Executive Compensation and Incentives”. Handbook of Empirical Corporate Finance, 2, 497-538.

__ Alderman, J. (2017). “Does auditor gender influence auditor liability? Exploring the impact of the crime congruency effect on jurors' perceptions of auditor negligence”. Advances in Accounting, 38, 75-87.

__ Al Mamun, M. D. , Balachandran, B. , and Duong, H. N. (2017). “Powerful CEOs and Stock Price Crash Risk”. Available at http://dx. doi. org/10. 2139/ssrn. 2797107.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

__ Andreou, P. C. , Louca, C. , Panayides, P. M. , and Petrou, A. P. (2017). "CEO age and stock price crash risk". Review of Finance, 21 (3), 1287–1325.

__ Andreou, P. C. , Ehrlich, D. and Louca, C. (2013). "Managerial ability and firm performance: Evidence from the global financial crisis". Cyprus University of Technology, Department of Commerce, Finance and Shipping, and Visiting Research Fellows at Durham Business School.

__ Ball, R. (2009). "Market and Political/Regulatory Perspectives on the Recent Accounting Scandals". Journal of Accounting Research, 47, 277–323.

__ Bao, D. , Kim, Y. , Mian, G. M. , and Su, L. (2018). Do Managers Disclose or Withhold Bad News? Evidence from Short Interest. The Accounting Review, Available at https://poseidon01. ssrn. com/delivery. php?ID=927103126008003094102027123090093011118033030042010043122092066030065115094090115010026005017013006005055071126098120009097095055066031061002126123115122086082079042016010110002082106099019126065124068101121100084068071023007116086100124101069027022&EXT=pdf.

__ Bebchuk, L. , Cremers, M. and Peyer, U. (2011). "The CEO pay slice". Journal of Financial Economics, 102 (1), 199-221.

__ Chaney, P. K. , Jeter, D. C. and Shivakumar, L. (2004). "Self-Selection of Auditors and Audit Pricing in Private Firms". The Accounting Review, 79(1), 51-72.

__ Coles, J. L. , Daniel, N. D. , and Naveen, L. (2014). "Co-opted boards". Review of Financial Studies, 27 (6), 1751–1796.

__ Cornaggia, K. J. , Krishnan, G. V. , and Wang, C. H. (2017). "Managerial ability and credit rating". Contemporary Accounting Research, 34 (4), 2094-2122.

__ Daily, C. M. , and Johnson, J. L. (1997). "Sources of CEO power and firm financial performance: A longitudinal assessment". Journal of Management, 23, 97-117.

__ Dichev, I. D. , Graham, J. R. , Harvey, C. R. , and Rajgopal, S. (2013). "Earnings quality: Evidence from the field". Journal of Accounting and Economics, 56 (2-3), 1–33.

__ Derouiche, I. , Jaafar, K. and Zemzem, A. (2016). "Firm geographic location and voluntary disclosure". Journal of Multinational Financial Management, 37–38, 29-47.

__ El Ghoul, S. , Guedhami, O. , Pittman, J. A. and Rizeanu, S. (2016). "Cross-Country Evidence on the Importance of Auditor Choice to Corporate Debt Maturity". Contemporary Accounting Research, 33 (2), 718–751.

__ Fan, J. P. H. , and Wong, T. J. (2005). "Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets? Evidence from East Asia". Journal of Accounting Research, 43(1), 35-72.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

__ Fast, N. J. , Sivanathan, N. , Mayer, N. D. , and Galinsky, A. D. (2012). "Power and Overconfident Decision-Making". Organizational Behavior and Human Decision Processes, 117, 249–260.

__ Feng, M. , Ge, W. , Luo, S. , and Shevlin, T. (2011). "Why do CFOs become involved in material accounting manipulations?". Journal of Accounting and Economics, 51 (1-2), 21–36.

__ Fracassi, C. , and Tate, G. (2012). "External networking and internal firm governance". Journal of Finance, 67 (1), 153-194.

__ Friedman, H. L. (2016). "Implications of a Multi-Purpose Reporting System on CEO and CFO Incentives and Risk Preferences". Journal of Management Accounting Research, 28 (3), 101-132.

__ Friedman, H. L. (2014). "Implications of power: When the CEO can pressure the CFO to bias reports". Journal of Accounting and Economics, 58 (1), 117–141.

__ Galema, R. , Lensink, R. and Mersland, R. (2012). "Do Powerful CEOs Determine Microfinance Performance?". Journal of Management Studies, 49 (4), 718 – 742.

__ Godfrey, J. M. , and Hamilton, J. (2005). "The Impact of R&D Intensity on Demand for Specialist Auditor Services". Contemporary Accounting Research, 22(1), 55-93

__ Graham, J. R. , Harvey, C. R. , and Rajgopal, S. (2005). "The Economic Implications of Corporate Financial Reporting". Journal of Accounting and Economics, 40, 3–73.

__ Grinstein, Y. , and Hribar, P. (2004). "CEO compensation and incentives: Evidence from M&A bonuses". Journal of Financial Economics, 73 (1), 119–143.

__ Habib, A. and Hasan, M. M. (2017). "Business Strategy, Overvalued Equities, and Stock Price Crash Risk". Research in International Business and Finance, 39 (Part A), 389–405.

__ Ho, J. L. , and Kang, F. (2013). "Auditor Choice and Audit Fees in Family Firms: Evidence from the S&P 1500". Auditing: A Journal of Practice and Theory, 32(4), 71-93.

__ Hutton, A. P. , Marcus, A. J. , and Tehranian, H. (2009). "Opaque financial reports, R2, and crash risk". Journal of Financial Economics, 94 (1), 67–86.

__ Jin, L. , and Myers, S. C. (2006). "R2 around the world: New theory and new tests". Journal of Financial Economics, 79 (2), 257–292.

__ Khanna, V. , Kim, E. , and Lu, Y. (2015). "CEO connectedness and corporate fraud". Journal of Finance, 70 (3), 1203–1252.

__ Kim, J. B. , Li, Y. , and Zhang, L. (2011a). "Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis". Journal of Financial Economics, 100 (3), 639–662.

__ Kim, J. B. , Li, Y. , and Zhang, L. (2011b). "CFOs versus CEOs: Equity incentives and crashes". Journal of Financial Economics, 101 (3), 713–730.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

__ Kim, J. B. , Wang, Z. , and Zhang, L. (2016). "CEO overconfidence and stock price crash risk". Contemporary Accounting Research, 33 (4), 1720–1749.

__ Kothari, S. P. , Shu, S. , and Wysocki, P. D. (2009). "Do managers withhold bad news?". Journal of Accounting Research, 47 (1), 241–276.

__ Li, M. , Lu, Y. , and Phillips, G. (2018). "CEO and the product market power: When are powerful CEOs beneficial?". Journal of Financial and Quantitative Analysis, Available at http://faculty. tuck. dartmouth. edu/images/uploads/faculty/gordon-phillips/ceo_power. pdf.

__ Liu, Z. , Ouyang, B. and Sun, X. (2015). "CEO Power and Auditor Choice". International Journal of Finance and Banking Studies, 4 (4), 44-51.

__ Morrison, E. W. , Rothman, N. B. , and Soll, J. B. (2011). "The Detrimental Effects of Power on Confidence, Advice Taking, and Accuracy". Organizational Behavior and Human Decision Processes, 116, 272–285.

__ Morse, A. , Nanda, V. , and Seru, A. (2011). "Are incentive contracts rigged by powerful CEOs?". Journal of Finance, 66 (5), 1779–1821.

__ Valenti, M. A. , Luce, R. , and Mayfield, C. (2011). "The effects of firm performance on corporate governance". Management Research Review, 34 (3), 266-283.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]